

سزین مردم آفرینا شرقی

۴

قبول عهدنامه از طرف موانکا

اولین اقدام لوگارد این بود که موانکا را وادار به قبول قدرت و حاکمیت کمپانی بنماید. روز بعد از ورود به پایتخت بدیدن موانکا رفت و سپس طرح قراردادی را انشا کرد که به میسیون‌های فرانسوی و انگلیسی نشان داد. در روز ۲۴ دسامبر این عهدنامه در حضور رؤسای قبایل تقدیم موانکا گردید. در آنروز رؤسای قبایل همه اسلحه همراه داشتند و دسته فرانسوها برای حمایت پادشاه و دسته انگلوه‌ها برای دفاع از لوگارد یکی از حضار تفنگ خود را رو به لوگارد نگاهداشته بود ولی یکی از رؤسای دسته انگلو لوله تفنگ را پایین آورد. پادشاه که از شجاعت و بی‌اعتنائی افسر انگلیسی که می‌خواست او را بزور به امضای عهدنامه وادار حیرت و وحشت کرده بود.

لوگارد که وضع را متشنج دیده و احتمال بروز جنگ را می‌داد در آنروز با امضای عهدنامه اصرار نکرد و دو روز بعد که اوضاع و حال موانکا بهتر شد عهدنامه را برای امضاء آورد. رؤسای قبائل با محتویات عهدنامه موافقت کردند و موانکا مجبور شد آنرا امضاء کند.

به موجب این عهدنامه حاکمیت کمپانی را قبول کرد و حاضر شد کشور خود را تحت حمایت کمپانی قرار دهد و حمایت هیچیک از دول اروپائی را قبول نکند و در مقابل کمپانی حاضر شد از مملکت یوگاندا حمایت کند و در عمران و آبادی و تمدن کردن آن کوشش نماید و نماینده موقیم برای انجام این وعده‌ها به پایتخت آن کشور بفرستد. سه نکته مهم دیگر در عهدنامه گنجانده شده بود: اول آنکه برده‌فروشی غیرقانونی شناخته شود. دوم آنکه افراد همه ممالک حق تجارت و دادوستد در آن کشور داشته باشند ولی نباید اسلحه و مهمات وارد کرده و بفروش برسانند. سوم آنکه مبلغین همه مذاهب در اشاعه مذهب خود آزاد باشند بشرط آنکه بغیر از امور مذهبی و بسط تمدن بکار دیگر نپردازند و مقرر گردید با همه بطور عدالت و تساوی رفتار شود.

این عهدنامه برای لوگارد دوست و طرفدار پیدا نکرد زیرا هیچ دسته از آن راضی

واقع قوای لوگارد مرکب بود از پنجاه سرباز و ۲۷۰ باربر و مقدارقلیلی مهمات و یک توپ کهنه ماکزیم . خوشبختانه یک ماه بعد قوای امدادی برای او رسید که شامل یک توپ دیگر بود ولی معهذا از لحاظ نظامی نیروی کافی در اختیار نداشت .

لوگارد بتدریج بوضع خود سروصورت داد و قلعه مستحکمی بالای تپه کمپالا بناکرد قدم بعد سرکوبی دسته مسلمانان بود . دسته مسلمانها بعد از شکست به کشور مجاور باینورو پناه آورده بودند کالما که مسلمانان او را پادشاه می دانستند در آنجا فوت کرد و امبوگو Mbogo عمومی موانگا را بجای او انتخاب کردند . امبوگو به یوگاندا حمله کرد و عدهای از ساکنین آنجا را به اسارت برد . برای جلوگیری از حملات دسته مسلمانان کاتولیکها و پروتستانها حاضر شدند باهم متحد شوند و لوگارد ارتشی از مردم یوگاندا از هر دو دسته مذهبی تحت فرماندهی اپولوکاگوا Apolo Kagwa تشکیل داد و این ارتش امبوگو و دسته مسلمانان را بویوگانگازی Bugangaszi شکست داد ولی بعلت باران و نامساعد بودن وضع زمین که باطلای شده بود نتوانست در داخل خاک باینورو پیشرفت کند .

شکست مسلمانان بار دیگر دسته فرانسهها و انگلوهها را مقابل هم قرار داد و اینک که خطر رفع شده بود خصومت آنها روز بروز زیادتیر میشد . ضمناً واضح بود که کمپانی برای تأمین امنیت و بسط اقتدار خود محتاج نیروی کافی می باشد . فرستادن نیروی لازم از مومباسا عملی نبود و نیز استخدام سرباز از داخله یوگاندا این اشکال را داشت که چون افراد وابستگی بیکی از دو گروه داشتند حاضر به خدمت در یک ارتش بی طرف نبودند . در این موقعیت بسیار مشکل لوگارد باین نتیجه رسید که تنها راه حل جلب حمایت سربازان سودانی است که تحت فرماندهی سلیم بیگ بودند . بعد از رفتن امین پاشا و استانی سربازان سودانی زیر نظر سلیم بیگ در اطراف دریاچه البرت باقی مانده بودند لوگارد بسمت کاوالی حرکت کرد و در بهین راه به تأسیس پستهای نظامی و مراکز تجارتنی پرداخت و در ۷ سپتامبر ۱۸۹۱ به کاوانا رسید و سلیم بیگ را در آنجا یافت که با ۶۰۰ سرباز و صدها زن و بچه و غلام در آنجا استقرار دارند . سلیم بیگ مرد راحت طلب و خوشگذرانی بود ، لوگارد از وفاداری او به خدیو و اظهار تمایل او به قبول خدمت کمپانی تحت فرماندهی یک انگلیسی خوش آمد و قشون او که با افراد لوگارد به ۸۰۰ نفر می رسید به سمت کمپالا حرکت کردند و عده از آنها در قلعههای بین راه مستقر گردیدند و بقیه که متجاوز از ۳۰۰ سرباز و ۶۰۰ نفر همراهان بود در آخرین روزهای سال ۱۸۹۱ وارد کمپالا شدند . لوگارد بعد ها برای آوردن این سودانیها مورد انتقاد قرار گرفت زیرا در پادگان های مختلف این سربازان بایی انضباطی مردم را مورد ظلم و

ستم قرار می دادند و بعد ها باعث اشکالات زیاد گردیدند ولی در آن موقع ظاهراً " لوگارد چاره نداشت زیرا از هیچ طرف کمک برای او نمی رسید و مجبور شد برای تاءمین نظم و آرامش و استقرار وضع کمپانی از هر کجا ممکن باشد نیرو تهیه کند .

جنگ فرانسا و انگلوه در ۱۸۹۲

در غیبت لوگارد معاون او ویلیامز کوشش کرد که از مقارن بین دو دسته جلوگیری کند . علی رغم مقررات منع ورود اسلحه مقادیر زیادی اسلحه بطور قاچاق وارد شده و هسر دو دسته خود را برای جنگ آماده کرده بودند . لوگارد در آخرین ساعت از اسقف فرانسه تقاضا کرد از جنگ جلوگیری کند ولی قتل یک نفر از انگلوه توسط یکی از فرانساهای آزاد کردن قاتل بهانه بدست طرفین داد و طرفین جنگ را آغاز کردند . لوگارد روی تپه خود بیطرف ماند و به تماشا مشغول شد . همینکه فرانسها به تپه کمپالا و قلعهء لوگارد حمله کردند لوگارد از یک توپ خود استفاده کرد و حمله آنها را درهم شکست . فرانسها عقب نشینی کردند و تپه آنها بدست دشمن افتاد . سربازان انگلوه آنها را تعقیب کردند و فرانسها بیکی از جزایر پناه برده موانگا را همراه خود بردند . لوگارد پیشنهاد صلح کرد و به کاتولیک ها پیغام داد اگر حاکمیت کمپانی را قبول کنند حاضر است رؤسای قبائل را که فرار کرده اند به مقامات سابق برگرداند و موانگا به سلطنت خود برگردد . فرانسها از قبول این پیشنهاد خودداری کردند و لوگارد سربازان سودانی را به تعقیب آنها فرستاد تا شاه را آزاد کرده و به پایتخت برگرداند اسقف کاتولیک ها به جزیره دیگری فرار کرد و شاه را که در حقیقت زندانی او بود با خود برد . اوضاع خیلی مغشوش شده و خطر جنگ بزرگ دامنه دار داخلی می رفت . خوشبختانه موانگا از جنگ فرانسها فرار کرد و خودش به پایتخت برگشت و وجود پادشاه با همه ضعف اخلاقی که داشت در تعیین تکلیف و سرنوشت مملکت بسیار مؤثر بود و بدون او هیچ نوعی صلحی برقرار نمیشد . مراجعت او به پایتخت به جنگ خاتمه داد . با اینکه این جنگ کوتاه بود معاهده زیادی از هر دو طرف تلف شدند .

عهدنامه جدیدی تنظیم و امضا گردید که بموجب آن تفوق و حاکمیت کمپانی شناخته و تاءبید گردید و دوباره مقامات بین دو دسته تقسیم شد . ولی این دفعه تعداد مقامات کاتولیک ها کمتر شد و از همه مهمتر اینکه دسته آمبوگو و طرفداران مسلمان او نیز با قبول حاکمیت کمپانی سه مقام رئیس قبیله بدست آوردند .

پس از برقراری آرامش لوگارد زمام امور اوگاندا را به معاون خود ویلیامز سپرد و خود رهسپار انگلستان گردید زیرا سرنوشت آن کشور در لندن تعیین میشد . حقیقت این بود که بسط قدرت کمپانی در اوگاندا که بمنظور سیاسی انجام یافته بود و نه برای منفعت مادی سالی چهل هزار لیره برای کمپانی تمام میشد و کمپانی با درآمد قلیل خود نمی توانست

آنقدر خرج کند بهمین جهت در سال ۱۸۹۱ کمپانی تصمیم گرفت از اوگاندا خارج شود مگر آنکه دولت انگلیس حاضر شوده کمپانی کمک مالی بنماید . افکار عمومی در انگلستان سخت مخالف عقب نشینی انگلیس از اوگاندا بود و آنرا برخلاف بسط نفوذ انگلیس و مبارزه بابرده فروشی تلقی می کرد و نیز چون اوگاندا تنها کشوری بود که دین مسیح در آن نفوذ کرده بود عقب نشینی و خروج از اوگاندا را عاقلانه تلقی نمی کردند سر ویلیام ماکینسون شخصا " ۲۵ هزار لیبره داد و اسقف تا کر ۱۵ هزار لیبره جمع آوری کرد و قرارداد کمپانی یک سال دیگر در اوگاندا بماند . دولت انگلیس در مقابل فشار افکار عمومی تصمیم گرفت سرکنسول خود را در زنگبار که در اینموقع سر جرال د پورتال Sir Gerald portel بود برای بررسی اوضاع و تقدیم گزارش به اوگاندا بفرستد . ضمنا " قرارداد به کمپانی کمک مالی شود تا قادر باشد تا مارس ۱۸۹۳ در اوگاندا بکار خود ادامه دهد .

مسافرت سر جرال د پورتال

در اول آوریل ۱۸۹۳ یعنی چند روز بعد از ورود سر جرال د پرچم کمپانی را از تبه کمپالا پایین آورد و بیرق دولت انگلیس را برافراشت و اعلام داشت که اوگاندا تحت حمایت دولت انگلیس قرار گرفته است . همچنین قرارداد جدیدی با موانگا امضا کرد و قرار دادی بین دو دسته مسیحی بامضا رسید که در واقع بیشتر به نفع کاتولیکها بود زیرا طبق این قرارداد مملکت دارای دونهست وزیر دورئیس قشون و دو رئیس کشتی ها گردید تا کاتولیکها و پروتستان ها هر دو در آنها نمایندگی داشته باشند . بعلاوه چندین پست ریاست قبیله به کاتولیک ها داده شد سر جرال د که برادرش در ماه مه در کمپالا فوت کرد و وضع مزاجی خودش نیز خوب نبود در آخر ماه مه به زنگبار مراجعت کرد و بلافاصله پس از ورود گزارش خود را تقدیم داشت در این گزارش تاکید کرد که میسیونهای مذهبی باید مورد حمایت قرار گیرند و برده فروشی در داخل کشور ملغی گردد و نیز اهمیت سوق الجیشی اوگاندا را که سرچشمه رود نیل را در کنترل دارد خاطر نشان کرد . پارلمان انگلستان پس از بحث و مخالفت عده ای از نمایندگان تحت الحمایگی انگلیس را بر اوگاندا در اوت ۱۸۹۴ به رسمیت شناخت .

بدین ترتیب وظیفه کمپانی امپراطوری بریتانیایی افریقای شرقی در اوگاندا خاتمه یافت . کار کمپانی در سایر نقاط افریقای شرقی نیز تقریبا " به پایان رسید زیرا در طی حیات خود در حدود ۴۵ هزار لیبره خرج کرده و فقط مقدار کمی درآمد کسب کرده بود . درآمد کمپانی عبارت بود از عوارض بر کالاهایی که از داخله صادر میشد . در سال ۱۸۹۲ این منبع درآمد نیز قطع شد زیرا دولت انگلیس تجارت را در ساحل افریقای شرقی آزاد کرد هیئت مدیره

خود را بادولت انگلیس شروع کردند . دولت انگلیس آنها را مجبور کرد غرامتی به مبلغ ۲۵۰ هزار لیره بپذیرند و این مقادیر در مقابل خدمات کمپانی که دولت انگلیس را قادر به تحصیل مستعمرات افریقای شرقی نمود مبلغ ناچیزی بود .
اداره اراضی تحت اختیار کمپانی زیر نظر وزارت خارجه قرار داده شد و کشوری که امروز بنام کنیا Kenya خوانده میشود در تاریخ ۱۵ ژوئن ۱۸۹۵ کلنی تحت الحمايه افریقای شرقی انگلیس گردید .

لوگارد در سایر نقاط افریقا

در این زمان لوگارد که بیش از هر شخص دیگر برای ضمیمه کردن اوگاندا به امپراطوری انگلیس زحمت کشیده بود در نیجریا مشغول بود و آن ناحیه مرکز عمده فعالیت او گردید . شایان توجه است که در ۱۸۹۶ به ریاست هیئتی برای اکتشاف صحرای کالاهاری Kalahare رفت و در سال های بعد ۱۸۹۰ در جنوب و مشرق و مغرب افریقا فعالیت داشت و ضمناً در جنگ های سودان نیز شرکت کرده بود .

شاهکار عملیات او نیجریه است . شرح مختصری از اقدامات او در نیجریه نه تنها برای مقایسه با اقدامات او در افریقای شرقی بلکه برای تکمیل شرح حال او جالب توجه است .
وضع نیجریه

ناحیه رود نیجر مانند افریقای شرقی در بدو امر از نظر الغاء برده فروشی مورد توجه انگلیس قرار گرفت و دولت انگلیس تمایلی به تصرف آن ناحیه نشان نمی داد . بجز شهر لاگوس Lagos که در سال ۱۸۶۱ کلنی رسمی انگلیس گردید عمران و آبادی مناطق دیگر به سر جرج گلدی Sir Georg Goldia و کمپانی تجارتي او واگذار شد . رقیب گلدی کمپانیهای تجارتي فرانسه بودند در ۱۸۸۴ گلدی رقبای فرانسوی خود را خرید و در نتیجه کنفرانس برلین و عهدنامه ۱۸۹۰ بین انگلیس و فرانسه ناحیه سفلی و وسط رود نیجر منطقه نفوذ انگلیس شناخته شد . ولی فرانسوی ها هنوز نسبت به نواحی پیچ رودخانه نیجر ادعاهائی داشتند و فعالیت هایی می کردند و کمپانی انگلیسی باین نتیجه رسید که برای اثبات تملک آن ناحیه ناچار باعمال خود است و برای این منظور لوگارد را استخدام کرد .

رقابت بین انگلیس و فرانسه در افریقای غربی

اولین وظیفهء که از طرف کمپانی به لوگارد محول شد مربوط به ناحیه برگو Bongo واقع در کشور فعلی داهومی Dahomey بود که هم فرانسوی ها و هم کمپانی انگلیس بآن علاقمند بوده و نظر داشتند . فرانسوی ها نیرویی مرکب از ۵۰۰ نفر بآن ناحیه اعزام داشتند و قصد

گلدی لوگارد را ماه مور کرد که بانیریوی بآن سمت حرکت کند. لوگارد قبل از فرانسوی‌ها آنجا رسید و ناحیه برگو را به تصرف درآورد. فرانسوی‌ها به تعرض و مزاحمت خود ادامه دادند و در سال ۱۸۹۷ جوزف چمبرلن که در آن موقع وزیر مستعمرات بود نیرویی بنام نیروی مرزی آفریقای غربی مرکب از ۲ هزار نفر تشکیل داد و فرماندهی آنرا به کلیل لوگارد محول کرد. وظیفه این نیرو عبارت بود از تاءء مین نظم و حفظ مرزهای مستملکات کمپانی انگلیس در مقابل حملات فرانسوی‌ها. یک سال بعد قراردادى بین فرانسه و انگلیس باضا رسید و صلح در ناحیه نیجر برقرار گردید.

با وجود برقراری صلح وزیر مستملکات باین نتیجه رسید که ناحیه نیجر از نظر سیاسی و بازرگانی بقدری اهمیت پیدا کرده است که اداره آن باید بدست دولت بیافند بهمین جهت از اول سال ۱۹۰۰ حاکمیت کمپانی خاتمه پیدا کرد و دولت اداره ناحیه نیجر را بعهده گرفت. کمپانی در قسمت امور بازرگانی بکار خود ادامه داد و چون در حفظ نیجریه برای دولت انگلیس خدمات شایان انجام داده بود سه برابر آنچه به کمپانی آفریقای شرقی داده شد دریافت کرد.

ترتیبات جدیدی برای اداره امور نیجریه داده شد و آن کشور تقسیم گردید به کلنی لاگوس (که بعدها در ۱۹۰۶ جزو نیجریه جنوبی گردید) و دو ناحیه تحت الحمايه که عبارت بود از نیجریه جنوبی که مرز آن تا شهر ایداه Idah ادامه داشت و نیجریه شمالی که از سمت شمال تا حوالی صحرا ممتد بود. لوگارد که در آن زمان سرفردریک لوگارد شده بود بسمت کمیسر عالی انگلیس در نیجریه شمالی منصوب گردید لوگارد با دو اشکال عمده روبرو شد. اول آنکه بعلت جنگ آفریقای جنوبی کارمندان اروپایی بقدر کافی در اختیار نداشت و دوم آنکه امرای قبایل فولانی مانند امیر سوکوتو Sikoto و امیر کانو Kanو در شمال حاضر به قبول حکومت و حاکمیت انگلیس نبودند.

راه حلی که لوگارد برای حل مسئله کارمندان اروپایی پیدا کرد سیستم حکومت غیر مستقیم بود. این سیستم عبارت بود از دادن اختیارات به رؤء ساء قبایل بشرط آنکه قوانین اساسی بشری و عدالت را رعایت کنند و برای نظارت نمایندگان مقیم معین کرد و محاکم بومی تشکیل داد و در مراکز عمده محاکم ایالتی برای اجرای قوانین دولت مرکزی بخصوص در مورد الغای برده فروشی تاءء سیس کرد. دیگر امیری از قبول این سیستم خود داری می کرد از امارت معزول و یک نفر دیگر توسط مردم انتخاب و بجای او منصوب می گردید.

با این ترتیب لوگارد توانست با عده قلیلی اروپایی یکی از پروسعت ترین کلنی‌ها را بطور مؤثر اداره کند و این سیستم بقدمت و نفوذ مآفته شد که در سایر مستعمرات

می آید.

راه حل مسئله دوم یعنی شناختن حاکمیت انگلیس در ناحیه شمالی نیجریا اعمال قوه بود. در طی یک سلسله جنگ‌های محلی با امرا و رؤسای قبایل لوگارد موفق شد آنها را به قبول حکومت انگلیس وادارد. و بآنها قول داد که در امور مذهبی آنها مداخله نخواهد کرد و بتدریج امرای شمال نیجریه وفاداری خود را به دولت انگلیس اعلام کردند. وقتی در سال ۱۹۰۷ لوگارد نیجریه شمالی را ترک کرد و به فرمانداری هنگ کنگ منصوب گردید مملکت آرامش پیدا کرد و برده فروشی از بین رفته و عمران و آبادی شروع شده بود.

در سال ۱۹۱۲ لوگارد به فرمانداری نیجریه شمالی و جنوبی انتخاب و بآن ناحیه مراجعت کرد و قرار شد که دو ناحیه جنوب و شمال را متحد کند و بصورت یک مملکت درآورد. در ۱۹۱۴ این منظور حاصل شد و لوگارد به فرمانداری کل ملکت منصوب گردید و لاگوس پایتخت اتحادیه گردید. در هر یک از دو ناحیه معاون فرماندار کل گماشته شد. سیستم حکومت غیر مستقیم در شمال ادامه یافت و در جنوب نیز هر جا ممکن بود برقرار گردید با وجود جنگ بین المللی اول در طی بیست سال اول حکومت متحده نیجریه میزان تجارت خارجی آن سه برابر گردید و عمران و آبادی توسعه یافت و سطح زندگی بالا آمد.

در ۱۹۱۸ سرفردریک لوگارد بازنشسته شد و با وجودی که شصت سال از عمر او می گذشت و سستی‌های زیادی را تحمل کرده بود به نوشتن کتاب درباره آفریقا و ایراد سخنرانی و شرکت در کنفرانس‌های بین المللی و ادامه مبارزه برضد برده فروشی بکار خود ادامه داد در ۱۹۲۸ از طرف پادشاه انگلیس مقام بارونی باو اعطا گردید و لوگارد شد و در سال ۱۹۴۵ در سن ۸۷ سالگی فوت کرد.

به مجلس محترم نسبت داده و میدهند و همچنین حکم به وجوب کفائی تعلیم مشق نظامی و تأسیس مکاتب و احداث بانک ملی بر وجهی که در ورقه نوشته شده صحیح و از این خدام شریعت مطهر صادر شده است.

(جای امضا) محمد کاظم الخراسانی

۳- تلگراف به علمای تهران.

بموجب مکاتب بغداد، تلگرافی متضمن حکم به حرمت مجلس ملی ایران یا آنکه انعقادش مبنی بر صلاح عموم از لسان احقر جعل و بتوسط سفارت دولت بهیه روس بنا بوده مخابره شود. جناب عالی سفارت دولت بهیه را از معمولیت آن اعلام و جاعل آن تابع هر دولت باشد اولیای آن دولت سیاست خواهند فرمود انشاء الله.